

گزارشی از دومین جایزه ملی روایت پیشرفت

روایت اراده، رویش و بالندگی یک ملت



روایت پیشرفت به زبان هنر، رسانه و گفت‌وگوی عمومی مردم نزدیک شده و به محورهایی چون معرفی طرح‌ها و حرکت‌های امیدآفرین، آموزش و روایتگری، و تولید آثار مستند و هنری بر پایه تجربه‌های واقعی مردم در نقاط مختلف کشور پرداخته شود. بر همین اساس هم در نخستین دوره، کارگاه‌های آموزش روایت پردازی، نشست‌های تخصصی دربارهٔ «چگونه امید و خودباوری را در قالب روایت منتقل کنیم» بر گزار و آثار منتخب از

نقاط مختلف کشور معرفی شدند.

مهم‌ترین ویژگی این رویداد، نگاه فرهنگی و روایی آن بود و شرکت‌کنندگان اهم از هنرمندان، مستندسازان، فعالان رسانه و گروه‌های جهادی مأموریت داشتند تا داستان واقعی تلاش‌های مردم برای ساختن ایران را در اختیار مردم کشور بیاورند. بر همین اساس هم در نخستین دوره، کارگاه‌های آموزش روایت پردازی، نشست‌های تخصصی دربارهٔ «چگونه امید و خودباوری را نه فقط به‌عنوان سیاست‌توسعه، بلکه به‌عنوان داستان

مطرح شدن پیشرفت‌های یک کشور در عرصه‌های مختلف از علم و فناوری گرفته تا فرهنگ، اقتصاد یا دفاع آثار عمیقی بر فضای ملی و بین‌المللی آن جامعه دارد. در سطح داخلی، این روایت افزایش اعتمادبه‌نفس، امید اجتماعی و همبستگی عمومی را به دنبال دارد و مردم را به این یقین می‌رساند که حاصل تلاش و استعدادشان دیده می‌شود و کشور در مسیر رشد است. از سوی دیگر این روایت در حوزه بین‌الملل دستاورد مثبتی دارد چراکه مطرح شدن موفقیت‌ها نوعی قدرت نرم به‌حساب می‌آید و پیامی را به جهانیان مخابره می‌کند که این کشور مستقل و توانمند است و می‌تواند بر پایه ظرفیت‌های خود مسیر توسعه را طی کند. چنین تصویری می‌تواند نگاه کشورهای و سرمایه‌گذاران خارجی را تغییر دهد، جایگاه جهانی را ارتقا بخشد و حتی در معادلات سیاسی، عمق نفوذ و بازدارندگی ملی را بیشتر کند.

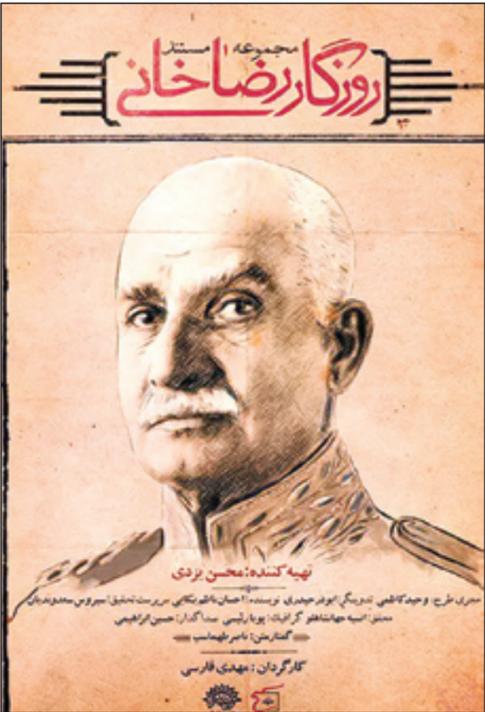
بر همین اساس هم مقام معظم رهبری با بصیرت و آینده‌نگری روی این نکته تأکید دارند که پیشرفت ایران اسلامی روایت شود. البته روایت پیشرفت در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، صرفاً یک مفهوم مادی یا فناوریانه نیست، بلکه منظومه‌ای از پیشرفت همه‌جانبه‌انسانی به علمی و معنوی است. ایشان همواره تأکید دارند؛ جمهوری اسلامی باید الگوی تمدن نوین اسلامی باشد، یعنی جامعه‌ای که علم و اخلاق، عدالت و معنویت، خودباوری و استقلال را در کنار یکدیگر پیش ببرد. از این منظر، پرداختن به پیشرفت تنها وظیفه دولت‌ها و سیاستمداران نیست، بلکه یک مأموریت فرهنگی و تمدنی برای همه مردم و به‌ویژه نخبگان و هنرمندان است. رهبر انقلاب بر این باورند که هنر نیز باید این حرکت رو به جلو را روایت کند؛ هنری که امید، خودباوری، تولید علم، و اقتدار ملی را بازتاب دهد، می‌تواند موتور فرهنگی پیشرفت باشد و به روایتی بپردازد که بر پایه ایمان، تلاش و اعتماد به جوانان شکل می‌گیرد و آینده‌ای روشن برای ایران اسلامی ترسیم می‌کند.

در این میان رسانه‌ای شدن دستاوردها هم، انگیزه نسل جوان را برای تلاش علمی و کارآفرینی تقویت کرده و تصویر مثبتی از آینده می‌سازد. بر همین اساس حوزه هنری انقلاب اسلامی در سال ۱۴۰۲ به همت مرکز روایت پیشرفت با برنامه‌ریزی رویدادی تحت عنوان «روایت پیشرفت» تصمیم گرفت تا از نگاه مردم و هنرمندان ماجرای موفقیت و دستاوردهای این آب و خاک را روایت کند و از طرح‌های دانش‌پسندان و ابتکارات جوانان در حوزه فناوری و تولید گرفته تا حرکت‌های اجتماعی در حوزه فرهنگ، آموزش و محرومیت‌زدایی را معرفی و یادآوری کند. در این دوره که شامل بخش‌های گزارش‌نوین، نقاشی دیجیتال، پوستر، فیلم کوتاه و کلیپ، نماهنگ، عکاسی و مستند بود، تلاش شد

رسانه

نگاهی به مستند «روزگار رضا خانی»

نقد یک پرتره کلیشه‌ای از حکومت پهلوی اول



راضیه سیف

مستند «روزگار رضاخانی» تلاشی برای بازنمایی دوره سلطنت رضاشاه است و سعی دارد روایت‌هایی متفاوت از مسائلی مانند نوسازی و تجدید بنیان کند. این اثر از سوی حوزه هنری انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۹۶ تولید شده و سعی دارد تصویر تطهیر شده دوران رضاشاهی را بشکند.

در تقویم تاریخ ایران، سوم اسفندماه را به عنوان سالروز کودتای ۱۲۹۹ و سرباز آغاز بر آمدن قدرت رضاشخان میرنپس در حافظه خود ثبت کرده‌است؛ واقعه‌ای که نقطه عزیمت دگرگونی‌های ساختاری وسیعی در سیاست و اجتماع ایران شد. بازخوانی این برهه حساس، فراتر از یک یادآوری تقویمی، ضرورتی برای درک ریشه‌های مدیریتی ایرانی و چالش‌های دولت- ملت‌سازی در دوران معاصر است. به همین مناسبت، در این نوشتار به بررسی مجموعه مستند «روزگار رضاخانی» پرداخته‌ام؛ اثری که می‌کوشد با عبور از پوسته سخت روایت‌های رسمی و کلیشه‌های رایج، به نقد و واکاوی میراث پهلوی اول بپردازد.

مستند «روزگار رضاخانی» به کارگردانی مهدی فارسی، مستندی ۱۶قسمتی دربارهٔ دوران سلطنت رضاشاه پهلوی است؛ از سوی مرکز مستند سوره حوزه هنری در سال ۱۳۹۶ تولید و منتشر شده. روزگار رضاخانی با نگاهی نقادانه به دوران سلطنت رضاشاه، از ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران روایت می‌کند.

به طور کلی مستند با نگاهی نقادانه و پژوهشی محور، به دنبال مقابله با جریانی که سعی دارند دوران رضاشاه را سفیدشویی کنند. برخلاف روایات رایج که نوسازی و تجدد را مثبت یا خنثی نشان می‌دهند، روزگار رضاخانی از خشنوت ساختاری، تضعیف جامعه و سرکوب در راستای این سیاست‌ها سخن می‌گوید و از مسائلی مانند حجاب اجباری، تضعیف عشار و وابستگی به غرب پرده برمی‌دارد.

از منظر روایت می‌توان گفت این مستند با تکیه بر گفتار تحلیلی و استفاده از اسناد تاریخی و نظر کارشناسل همسوسعی می‌کند

به آن دوران انتقاد کنند؛ از جهتی این مدل پرداخت باعث عدم توجه به تنوع دیدگاه‌ها می‌شود و بیشتر به سمت بیانیه می‌رود. از جهت دیگر مهم‌ترین ویژگی مستندنا را می‌توان وسعت و جامعیت آن دانست که صرفاً به یک رویداد نمی‌پردازد، بلکه تلاش می‌کند یک پرتره کامل از آن دوره تاریخی روایت کند. اثر از سقوط حکومت قاجار و اوضاع آشفته ایران در اواخر آن دوره و کودتای سال ۱۲۹۹ و دخالت انگلستان برای به قدرت رسیدن رضخان آغاز می‌شود و به تحولات اجتماعی و فرهنگی آن دوره مانند کشف حجاب اجباری،

فرهنگی

سرویس فرهنگی، ۶۰۰۸۸۵۲۳

ایمان و تلاش ملت روایت کند، آن هم روایتی از دل تجربه‌های زیسته مردم.

با توجه به دستاوردها و تأثیراتی که نخستین دوره روایت پیشرفت به دنبال داشت، دومین دوره آن با هدف شناسایی و تقویت جریان روایتگری از تجربه‌های پیشرفت ایران معاصر در سال ۱۴۰۴ برگزار شد. در این میان ماجرای جویابه و نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به نامه رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی مبنی بر گزارشی از برگزاری دومین آیین جایزه ملی روایت پیشرفت عرق ملی در روایتگری را تقویت کرد چراکه رهبر معظم انقلاب در پاسخ به محمدمهدی دادمان، راویان پیشرفت را بخشی از عناصر پیشرفت توصیف کرده و توصیه کردند کاری کنید، این روایت به گوش جوانان ما برسد و امید را در دل‌های آنان بشکند. همین جویابه نور امیددی در دل خدمتگزارانی که در راه تعالی جمهوری اسلامی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند، روشن کرد؛ نوری که موکداً اهمیت روایت را گوشزد کرد.

بر همین اساس و و در واپسین روزهای بهمن ماه با روایت پیشرفت معرفی برگزیدگان خود در بخش‌های کتاب (زندگینامه، خاطره، ادبیات مستند، رمان و داستان)، شعر، آهنگ و نماهنگ (شعر، ترانه، تصنیف، سرود و نماهنگ)، هنرهای تجسمی (نقاشی، گرافیک، تصویرسازی، عکس و کاریکاتور)، سینما و تلویزیون (فیلم‌های داستانی و مستند، سریال‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و پویانمایی‌ها)، صنایع فرهنگی و خلاق (بازی‌های گروهی، اسباب‌بازی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و آنلاین و سایر محصولات فرهنگی خلاق)، تبلیغ دینی و هیئت (محتواها و فعالیت‌های خلاقانه تبلیغی و هیئت‌ها)، رسانه‌های نوین (صفحات شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های پیام‌رسانی)، خبر، گزارش و مطبوعات (آثار رسانه‌ای خبری، گزارشی و تحلیلی)، آموزش و پژوهش (طرح‌های آموزشی، کارگاه‌ها، متون درسی و مقالات، پژوهشی و رویداد‌های فرهنگی و اجتماعی (ار دوها، نمایشگاه‌ها، نشست‌ها و همایش‌ها) به شروع سومین دوره نزدیک شد.

این رویداد در دومین دوره اثبات کرد که جریان روایت مستند پیشرفت ایران، افسانه نیست، تاریخ امروز ماست که باید به صورت مستمر به آن پرداخته شود. روایت آگاهانه و واقعی از پیشرفت‌ها نه فقط تبلیغ، بلکه مدیریت امید، هویت و اقتدار ملی است؛ ابزاری که اگر درست و صادقانه به کار رود، جامعه را به سوی آینده‌ای روشن‌تر هدایت می‌کند. استمرار بر روایت پیشرفت به عنوان یک گفتمان راهبردی حالا به برنامه‌های مورد تأکید تبدیل شده تا با تمرکز یک در دستاوردهای ملموس، زمینه را برای تولید محتوای مؤثر فراهم آورد و از ایرانیان پایان در عرصه موفقیت‌های جهانی بگوید.

و دیسپلین نظامی هستند؛ اما گفتار متن (ترتیب) با لحنی پر شگشگ و گاه افشاگرانه، سعی می‌کند جادوی این تصاویر را بشکند. این نوعی نقاب‌شکنی به شهادت می‌رسد، دشمن گمان می‌کند که در تصاویر (مانند افتتاح راه‌آهن یا بناهای نئوکلاسیک تهران، و محتوای منتقدانه مستند، مخاطب را در وضعیتی میان بیم و امید قرار می‌دهد. در واقع، کارگردان آگاهانه مخاطب نشان می‌دهد. در واقع سازندگان تلاش کردند تصویر رضاشاه به عنوان مجری مدرنیته ایران را به چالش بکشند و ابعاد دیکتاتوره آن را به تصویر بیاورند. بهره‌گیری از عکس‌ها، فیلم‌ها و اسناد دوره پهلوی اول باعث معتبر شدن روایت می‌شود و نقد آن را صرفاً شعاری یا انتزاعی جلوه نمی‌دهد. همچنین عبور از روایت پیشرفت ظاهری و پرداختن به تأثیر سیاست‌های رضاخان و سیاستمداران آن دوره بر زندگی مردم عادی، روایتی نو و زاویه دیدی انسانی است که به مسائلی مانند امنیت روانی جامعه و هویت اجتماعی بهام می‌دهد.

شاید بتوان یکی از ایرادات مستند روزگار رضاخانی را نگاهی تک‌بعدی به تاریخ دانست؛ گویا نویسنده تنها از یک جهت به وقایع نگاه کرده و مسائل دیگر را در نظر نگرفته. یک سو به بودن روایت می‌تواند باعث عدم جذب مخاطب با نگاه متفاوت شود، شاید کار نگاهی کمتر آغشته به ایدئولوژیک در مستند به کار می‌رفت دامنه مخاطب گسترده‌تر می‌شد. اگر خطرات شخصی و روایات زیسته مردمی جایی در مستند داشت، فاصله عاطفی میان اثر مخاطب کمتر می‌شد.

مستند را نمی‌توان نقد به یک‌فرد دانست، بلکه آن در پی نقد یک الگو از توسعه و دولت‌سازی است که ریشه بسیاری از مشکلات فرهنگی در حقیقت می‌توان گفت حتی بسیاری از مشکلات امروزه ریشه در جامعه ایران بوده است. در حقیقت می‌توان گفت حتی بسیاری از مشکلات امروزه ریشه در نگاه سیاستمداران آن دوران نسبت به دولت‌سازی و تجدد دارد. یکی از لایه‌های قابل تأمل در «روزگار رضاخانی»، چالش میان «تصویر» و «تفسیر» است. مستند، از حجم غظیمی از تصاویر آرشویی بهره می‌برد که ذاتاً حامل نوعی ابهت

کتاب

به بهانه انتشار کتاب «دوازده صفر سه»

ثبت حقیقت ۵ اسفند

حماسه وداع با سید حسن نصرالله

فاطمه شریفی

در عصر «انفجار اطلاعات» و «عمر کوتاه پیام»، تاریخ بیش از آن که در کتابخانه‌ها ساخته شود، در لحظات آنی رسانه‌ها شکل می‌گیرد. اما پارادوکس بزرگ اینجاست: هرچه حجم تولید محتوا بیشتر می‌شود، خطر «تحریف» و «فراموشی» نیز عمیق‌تر می‌شود. در جهانی که روایت‌های رسمی از سوی غول‌های رسانه‌ای غرب مهندسی می‌شوند، ثبت و ضبط دقیق وقایع تاریخی دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک «جهاد تبیین» و ضرورتی برای بقای هویت ملی و اعتقادی است.

اگر واقعه‌ای روایت نشود، در زمان گم می‌شود و اگر غلط روایت شود، به ابزاری علیه صاحبان آن واقعه بدل می‌شود. سالگرد ۵اسفند، نه فقط یادبود یک وداع حماسی با پیکر مطهر شهید سیدحسین نصرالله، بلکه سالگرد «تثبیت یک روایت حق» در برابر امواج سهمگین بایکوت خبری است.

اهمیت ثبت تاریخی در عصر روایت‌های موازی

امروزه ما در عصر «پسا-حقیقت» زندگی می‌کنیم. جایی که تصویر واقعه، از خود واقعه تعیین‌کننده‌تر است. اهمیت نگارش آثاری که مستقیماً دل واقعه بیرون آمده‌اند، در چند محور خلاصه می‌شود:

جلوگیری از قلب واقعیت: دشمن تلاش می‌کند تشبیح‌های میلیونی را به «تجمعات سازمان‌یافته» تقلیل دهد. ثبت جزئیات، چهره‌ها و اشک‌های بی‌ریا، این خدعه را باطل می‌کند.

انتقال حس به نسل‌های بعد: تاریخ صرفاً داده‌محور، سرد است. اما روایتی که بوی باروت، صدای ناله و گرمای حضور مردم را منتقل کند، در ذهن‌ها ماندگار می‌شود.

مستندسازی برای قضاوت آینده‌گان: آیندگان نباید نصرالله را تنها از شب‌کلیشه‌های عبری-عربی بشناسند؛ آنها باید بدانند در ۵اسفند بر جغرافیای مقاومت چه گذشت.

نفوذ به قلب واقعه

در میان تلاش‌های صورت گرفته برای زنده نگه‌داشتن این حافظه تاریخی، کتاب «دوازده صفر سه» نوشته محمدصادق علیزاده، جایگاهی ویژه دارد. این اثر که از سوی انتشارات سوره‌مهر روانه بازار نشر شده، فراتر از یک گزارش خبری ساده، یک «روایت زیسته» است. علیزاده در مقام یک خبرنگار اما با نگاهی جست‌وجوگر و انسانی، سفر خود به لبنان را در برهه‌های روایت می‌کند که جهان در بهت ترورسید مقاومت فرو رفته بود. «دوازده صفر سه» خود گویای لحظه‌ای است که گویی زمان برای محور مقاومت ایستاد باز نو آغاز شد.

ویژگی‌های شاخص این روایت:

۱. نگاه از درون: نویسنده تنها به توصیف جمعیت نمی‌پردازد؛ او به کوچه پس کوچه‌های ضاحیه می‌رود، با مردم داغدار هم‌کلام می‌شود و «توس و شجاعت» را در هم تنیده به تصویر می‌کشد.

۲. صراحت خبرنگارانه: علیزاده از دشواری‌های سفر از فضای امنیتی و از ایهامات نمی‌گذرد. این صراحت، به متن اعتبار می‌بخشد و مخاطب را با خود همراه می‌کند.

۳. تجسم حماسه تشییع: بخش‌های مربوط به مراسم تشییع در کتاب، به گونه‌ای بازنمایی شده است که گویی خواننده در میان لایه‌های متراکم جمعیت حضور دارد و لرزش شانه‌های بیروت را حس می‌کند.

فراتر از یک وداع

تشییع سید حسن نصرالله در ۵اسفند، پیامی فراتر از یک آیین سوگواری داشت. این رخداد، «فرانودوم مقاومت» در میانه آتش بود. حضور طوایف مختلف لبنانی و نمایندگان ملل مسلمان نشان داد که نصرالله، مرزهای مذهبی را درنوردیده و به نماد «عزت شرق» تبدیل شده است. از سوی دیگر اسرائیل گمان می‌کرد با حذف فیزیکی سید، بدنه مقاومت فرو می‌پاشد. اما ۵اسفند ثابت کرد «نصرالله شهید» برای دشمن خطرناک‌تر از «نصرالله زنده» است و هر قدمی که در بدرقه او به آسمان برداشته شد، گامی به سوی آزادی فلسطین تعبیر شد.

کتاب‌هایی نظیر «دوازده صفر سه» قطعات پازل ادبیات مقاومت هستند. سوره مهر با انتشار این اثر، نشان داد در ک درستی از «زمان شناسی» در نشر دارد. ثبت روایت‌های اول شخص از وقایعی که هنوز داغ هستند، مانع از آن می‌شود، روایت‌های جعلی دست‌دوم جایگزین حقیقت شوند.

نصرالله، رسانه‌ای که با شهادت تکثیر شد

در تحلیل این حماسه، نباید از یاد برد که خود شهید سیدحسین نصرالله، یک «ایررسانه» بود. او با تسلط بر زبان بدن، فن بیان و درک دقیق از روانشناسی مخاطب (چه دوست و چه دشمن)، معادلات منطقه را تغییر می‌داد. وقتی چنین شخصیتی به شهادت می‌رسد، دشمن گمان می‌کند «هنیع پیام» را کور کرده است. اما حماسه تشییع نشان داد، پیام او از مر حله «سال» به مرحله «ایمان» عبور کرده است.

در عصر حاضر، ثبت وقایع تاریخی به معنای یک گذار «دوباره» از این پیام‌هاست. اگر محمدصادق علیزاده در کتاب «دوازده صفر سه» از فضای سنگین بیروت می‌نویسد، در واقع در حال ترسیم پیکر بندی جدیدی از قدرت در منطقه است. قدرتی که دیگر نه در موشک‌ها، بلکه در «اراده زنی که فرزندش را فدای مسیر سید کرده» یا «جوانی که زیر سایه پهلپادهای اسرائیلی، ثابوت نمادین رهبرش را به دوش می‌کشد» تجلی می‌یابد. اینجاست که ثبت تاریخی، از یک گزارش ساده به یک «بیانیه سیاسی» بدل می‌شود.

واکاوی سبک روایت

کتابی که از سوی سوره‌مهر منتشر شده از منظر فرمی نیز قابل بررسی است. علیزاده در این اثر، از «دانای کل» فاصله گرفته و در قامت یک «شاهد عینی» ظاهر شده است. این هوشمندی باعث می‌شود؛ مخاطب بر روایت اعتماد کند. در بخشی از کتاب، نویسنده به توصیف لحظاتی می‌پردازد که میان بیم و امید در نوسان است؛ ترس از بمباران‌های مجدد و امید به تداوم راه. او در «دوازده صفر سه»، بیروت را نه یک شهر توریستی، بلکه یک «هوچود زنده» توصیف می‌کند که در حال سوگواری است. این کتاب به ما می‌آموزد که در ثبت تاریخ، «جزئیات» همه‌چیز هستند. توصیف زیست و روزمره جوانان لبنانی یا نحوه نگاه یک رزمند حزب‌الله در مراسم، اطلاعاتی به ما می‌دهد؛ هیچ تحلیلگر سیاسی نمی‌تواند به آن دست یابد. این کتاب، «تاریخ شفاهی یک لحظه سرنوشت‌ساز» است.

تقابل روایت‌ها: حقیقت در برابر فیک‌نیوز

باید به یاد آوریم که رسانه‌های جریان اصلی (Mainstream Media) چگونه تلاش کردند این حماسه را بایکوت یا منحرف کنند. آنها بر «پروانی‌ها» تمرکز کردند تا «ایستادگی» دیده نشود. آنها از «پایان یک دوران» سخن گفتند تا «غاز یک عهد» پنهان بماند.

ثبت وقایع از سوی

«دوازده صفر سه»

جرم «علیه بازتولید قدرت

در قفسه کتابخانه‌ها قرار می‌گیرد، در واقع یک «سند

سانسور چپان تاریخ است. سوره مهر با چاپ این اثر، به نرم مقاومت کمک کرده است؛ چراکه قدرت واقعی در قرن ۲۱، در دست کسی است که بتواند «روایت» خود را بهتر و صادقانه‌تر روایت کند.

چرا باید امروز بنویسیم؟

در اولین سالگرد این وداع حماسی، بازخوانی این کتاب و تعمق در چرایی ثبت وقایع، به ما یادآوری می‌کند نبرد اصلی، نه در ضاحیه، بلکه در «صفحات کاغذ» و «قاپ» رسانه‌ها» در جریان است. سیدحسین زنده است، تا زمانی که روایت او زنده بماند. مطالعه کتاب «دوازده صفر سه» برای هر کسی که می‌خواهد عمق استراتژیک عواطف انسانی در جغرافیای مقاومت را درک کند، یک ضرورت است. این کتاب، سندی است بر اینکه حقیقت، حتی زیر آوارها و در میانه دود و آتش، راه خود را به سوی ابدیت باز می‌کند.

محمد صادق علیزاده، مؤلف کتاب «دوازده صفر سه»